

# ما از عدالت سهمی داریم سازمان حقوق بشر ایران

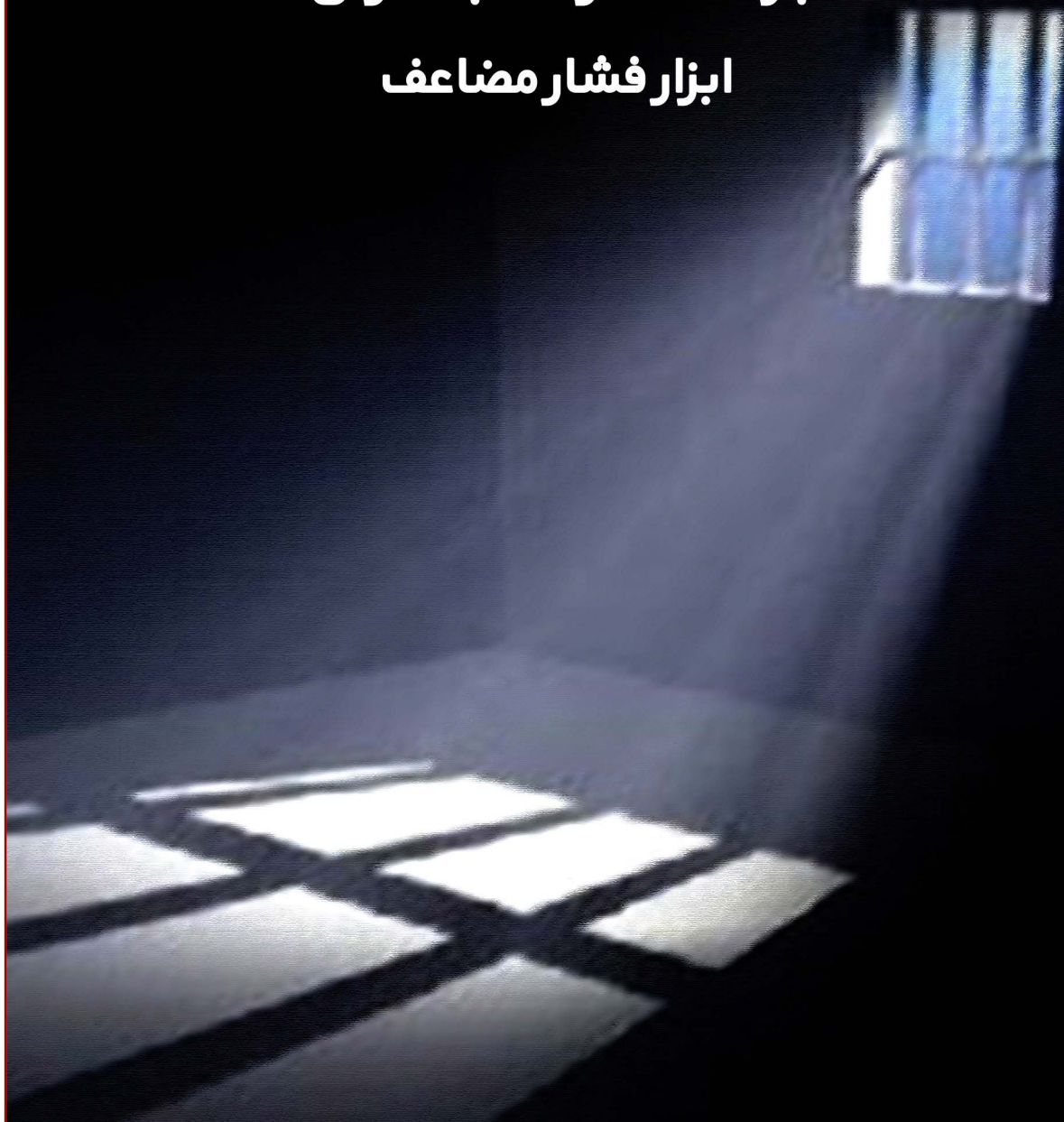
سال ششم شماره ۱۵۶

۸ مهر ۱۴۰۰ / ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۱

## حقوق ما

### بازداشت موقت به عنوان

### ابزار فشار مضاعف



## در این شماره می خوانید:

«بازداشت موقت»، امکانی حقوقی یا ابزاری سرکوب‌گرانه؟

۵۶۰ روز بازداشت موقت؛ علی یونسی و امیرحسین مرادی همچنان با تکلیف در بند ۲۰۹ اوین

بازداشت موقت به مثابه ابزاری برای سرکوب مضاعف

بازداشت موقت؛ امکانی برای سلب حقوق اساسی زندانیان

قرار بازداشت موقت؛ بستر ساز ۴۳ سال سرکوب مضاعف

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سرمدبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: بهنام داریی‌زاده، جواد عباسی تولی (تمام مصاحبه‌ها)

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



است. جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده، پس از «تفهیم اتهام»، اگر «دلایل کافی» وجود داشت؛ یکی از «قرارهای تامین» را صادر کند. «قرارهای تامین» در رژیم کیفری ایران، انواع مختلفی دارند. برای مثال، بازپرس پرونده می‌تواند از متهم بخواهد که «قول شرف» بدهد که در موعد مقرر می‌تعمین می‌شود برای بازجویی یا رسیدگی به پرونده حاضر شود؛ بازپرس همچنین می‌تواند از متهم بخواهد که کفیل معرفی کند یا وثیقه مناسب بگذارد. به هر حال، در بند «د» ماده ۲۱۷ آیین دادرسی کیفری فعلی، به «بازداشت موقت» افراد به عنوان شدیدترین «قرار تامین» اشاره شده است. برابر ماده ۹ «کنوانسیون حقوق مدنی-سیاسی»، بازداشت افرادی که در انتظار دادرسی هستند نباید به عنوان یک رویه یا قاعده کلی قلمداد شود. همچنین فرد بازداشت شده باید بتواند بتواند به وضعیت و حکم بازداشت خود اعتراض کند. بر این اساس، دولت‌های عضو این کنوانسیون موظف هستند سازوکارهای مناسب و موثری به منظور اعتراض و رسیدگی بی‌طرفانه فراهم کنند. در اینجا لازم است به ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز اشاره شود. بر پایه این سند و البته ده‌ها سند و کنوانسیون

است. با این حال، و به رغم تمامی این تضادهای آشکار با اصول ابتدایی حقوق بشر و حقوق کیفری، «بازداشت موقت» افرادی که در مظان اتهام‌های جدی قرار دارند، با رعایت تمامی شرایط و محدودیت‌ها، از روی «احتیاط»، و به عنوان «استثنایی» بر اصول کلی حقوقی پذیرفته شده است.

شروط و حقوق فرد در «بازداشت موقت» چیست؟ واقعیت این است که به لحاظ تاریخی و در چهارچوب رژیم‌های کیفری گذشته، اصل یا قاعده‌ی پذیرفته شده، بازداشت و دستگیری متهم بوده است. این موضوع که متهم حتی الامکان نباید بازداشت شود یا تنها زمانی می‌شود فرد را بازداشت کرد که ضرورت و دلایل کافی وجود داشته باشد؛ یک مسئله یا خواست به نسبت «جدید» محسوب می‌شود. به هر حال، در حال حاضر، حتی در چهارچوب رژیم‌هایی نظیر جمهوری اسلامی نیز، دست‌کم «بر روی کاغذ»، اصل بر آزادی متهم است و بازداشت متهمان تنها در موارد مشخص، با رعایت شروط و محدودیت‌های تعیین شده، پذیرفتنی است. برابر ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری، بازپرس پرونده می‌تواند به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع،

## «بازداشت موقت»، امکانی حقوقی یا ابزاری سرکوب‌گرانه؟



بهنام دارایی‌زاده

می‌توان به آن استناد کرد که هم «ضروری» باشد و هم «دلایل کافی» در میان باشد. هرچند مقررات مربوط به «بازداشت موقت»، تقریباً در تمامی رژیم‌های کیفری جهان پذیرفته شده است؛ اما واقعیت این است که «بازداشت موقت»، دست‌کم با دو اصل پایه‌ای حقوق کیفری و هنجارهای حقوق بشری منافات دارد. مهم‌تر از همه، این که «بازداشت موقت» مغایر با «اصل برائت» است! اصل برائت می‌گوید که تمامی افراد جامعه، حتی آن‌هایی که به طور رسمی از سوی یک مرجع قانونی در مظان اتهام قرار دارند؛ تا هنگامی که در یک دادگاه صلاحیت‌دار، به طور «قطعی» و «نهایی» محکوم نشده‌اند؛ باید «بی‌گناه» قلمداد شوند. به عبارتی دیگر، «بازداشت موقت»، و به تبع آن محروم کردن افراد از حقوق شهروندی، با «اصل برائت» مغایرت دارد؛ چرا که اساساً پیش از آن که دادگاهی تشکیل شود؛ یا در مرجعی صلاحیت‌دار، به اتهام‌های مطرح شده رسیدگی شود؛ فرد «مجرم» فرض می‌شود. برابر ماده ۱۳ «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، و همین‌طور سایر اسناد حقوق بشری، تمامی افراد جامعه حق جابجایی دارند و می‌توانند به طور آزادانه رفت‌وآمد کنند. روشن است که نفس «بازداشت موقت» افراد، در هنگامی که هنوز هیچ دادگاهی تشکیل نشده است؛ مغایر با «اصل آزادی رفت‌وآمد شهروندان»

اشاره: «بازداشت موقت» به چه معنا است؟ شروط و محدودیت‌های آن چیست؟ افراد و متهمانی که بازداشت می‌شوند چه حقوقی دارند؟ موازین بین‌المللی در این زمینه چه می‌گویند و چرا در چهارچوب رژیم حقوقی-کیفری جمهوری اسلامی، بررسی جنبه‌های عینی «بازداشت موقت» مهم است؟ آن چه در پی می‌آید یک بررسی کوتاه از اصول و قواعد ناظر بر «بازداشت موقت» است. سعی می‌شود برای تمامی پرسش‌هایی که در بالا طرح شدند، پاسخ‌هایی مشخصی ارائه شود. امید هست خواننده‌ی علاقه‌مند به موضوع‌های حقوقی-اجتماعی، پس از مطالعه‌ی این متن، به درک روشن‌تری از «بازداشت موقت»، نسبت آن با موازین حقوق بشری و البته زمینه‌های عینی سوءاستفاده‌ی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی از «بازداشت موقت» برسد. نگارنده در تنظیم این یادداشت تلاش می‌کند که حتی الامکان زبانی «غیرحقوقی» به کار گرفته شود و هر جا که لازم است توضیح‌های روشن‌گرانه‌ای ارائه شود.

### تعاریف:

«بازداشت موقت» در زمره‌ی اقدامات «احتیاطی» دستگاه تعقیب<sup>۱</sup>، به شمار می‌رود و تنها هنگامی مشروعیت دارد یا منظور از نهاد تعقیب، داستانی یا هر نهاد مشابه دیگری است که عهده‌دار پی‌گیری طرح اتهام علیه مجرم‌ان احتمالی است.

حقوق بشری دیگر، هیچ‌کس نباید «خودسرانه» بازداشت شود و افراد در برابر اقداماتی که در نهایت می‌تواند آزادی آن‌ها را سلب کند مصونیت داشته باشند.

برابر اصول کلی، بازداشت خودسرانه محکوم است. بنابراین «بازداشت موقت» افراد تنها هنگامی پذیرفتنی است یا می‌تواند توجیه شود که برای آن دلایل و شواهد «کافی» وجود داشته باشد.

### مهم‌ترین شروط، دلایل و زمینه‌های «بازداشت موقت» از این قرار است:

«بازداشت موقت» باید قانونی باشد. به این معنا که یک مرجع حقوقی صلاحیت‌دار، از پیش شرایط «بازداشت موقت» و محدودیت‌های آن را در یک متن قانونی مشخص تعریف کرده باشد. بازپرس پرونده نمی‌تواند بدون ارجاع به یک قانون یا شرایط تعریف شده، حکم بازداشت افراد را صادر کند.<sup>۱</sup>

هدف از «بازداشت موقت» باید روشن، دقیق و مشروع باشد. بازداشت موقت نمی‌تواند به عنوان ابزاری به منظور اعمال فشار بر متهم یا نزدیکان او استفاده شود.

اصل «شخصی بودن جرم و مجازات‌ها» ایجاب می‌کند که اقدامات محدود کننده، نظیر «بازداشت موقت»، تنها می‌تواند علیه خود شخص متهم، به عنوان یک امر استثنایی، اعمال شود. به این اعتبار، هر اقدامی که در ماهیت «گروگان‌گیری دولتی» قلمداد شود؛ محکوم و نشان عقب‌مانده‌گی رژیم حقوقی و سرکوب‌های سیاسی-اجتماعی در جامعه است.

«بازداشت موقت» باید پس از «تفهیم اتهام» صورت گیرد. به این اعتبار، متهم حق دارد از دلایل و شرایط بازداشت و حقوق خود به زبانی که متوجه می‌شود، مطلع شود.

متهم باید بتواند بلافاصله به حکم بازداشت خود اعتراض کند؛ او همچنین باید بتواند در طول بازداشت نیز، در فواصل زمانی منطقی، به بازداشت خود اعتراض کند یا دلایل تازه‌ایی بیاورد.

«طول مدت» بازداشت موقت، نباید از حداقل میزان مجازات

۱. اشاره به این نکته هم لازم است که تنها می‌شود به ارزش‌ها یا معیارهای یک جامعه آزاد و دموکرات ارجاع داد. بنابراین استناد به هر مجموعه قوانینی نیز الزاماً و جاهت حقوقی ندارد. لذا باید روشن شود که قانون مزبور از سوی کدام نهاد و در چه شرایطی تصویب شده است؟

مقرر بیش‌تر شود. به این معنا که اگر فردی متهم به انجام جرمی شده است؛ کم‌ترین مجازاتی که برای آن جرم در نظر گرفته شده، باید حتماً بیش‌تر از نهایت زمانی باشد که فرد در «بازداشت موقت» بوده است.

نکته مهم دیگر این است که در صورت اثبات جرم و محکومیت در دادگاه، تعداد روزها یا ماه‌هایی که فرد قبل از محکومیت در بازداشت بوده، باید محاسبه و از میزان نهایی محکومیت کم شود.

### جمع‌بندی

واقعیت این است که نُرمال یا عادی جلوه دادن شرایط سیاسی-اجتماعی در ایران، یک پروژه‌ی حکومتی است.

جمهوری اسلامی، به مانند سایر حکومت‌های توتالیتر، تلاش می‌کند حتی غریبان‌ترین اشکال سرکوب‌های سیاسی نیز ظاهری «قانونی» پیدا کند. بر همین اساس است که طرح‌های نظیر «ترورهای خارج از کشور» یا «قتل‌های زنجیره‌ایی»، انکار یا در نهایت به گروه‌های «خودسر» نسبت داده می‌شود.

پنهان نمی‌توان کرد که ساختارهای حقوقی، این قابلیت را دارند که در خدمت دستگاه‌های سرکوب قرار گیرند. به این معنا که حاکمیت‌های نظیر جمهوری اسلامی می‌توانند، دست‌کم برخی از طرح‌ها و برنامه‌ها سرکوب‌گرانه خود، را از طریق اقدامات به ظاهر «حقوقی/قانونی» پیش ببرند. به نظر می‌رسد که «بازداشت موقت»، یکی از این ابزارها است.

نمونه‌های پرشماری از تمديد طولانی «بازداشت موقت» متهمان سیاسی وجود دارد. روشن است که این اقدامات و تدابیر محدود کننده با اهداف مختلفی از جمله «پرونده‌سازی»، «گروگان‌گیری» یا «فشار بر خانواده‌ها و نزدیکان» دنبال می‌شود.

در چنین شرایطی؛ در نبود نهادهای نظارتی مستقل، در زمانی که افراد و متهمان سیاسی، حتی نمی‌توانند وکیل انتخابی خود را داشته باشند، «بازداشت موقت»، هرچند می‌تواند ظاهری «قانونی» داشته باشد؛ اما در عمل، ابزاری کارآمد برای مشروع جلوه دادن فشارها، تهدیدها، شکنجه‌ها به شمار می‌رود و نباید به آن اعتبار داد.

## ۵۶۰ روز بازداشت موقت؛ علی یونسی و امیرحسین مرادی همچنان بلاتکلیف در بند ۲۰۹ اوین



جواد عباسی تولی

رضا یونسی، برادر علی یونسی، با مجله «حقوق ما» درباره چگونگی تضییع حقوق برادرش و امیرحسین مرادی در دوران بازداشت موقت در بند ۲۰۹ زندان اوین گفت‌وگو کرده است.

**حقوق ما: علی یونسی و امیرحسین مرادی حدود یک سال و شش ماه است در بازداشت موقت به سر می‌برند و از این طریق تحت سرکوب مضاعف قرار گرفته‌اند. در طی این مدت، شرایط این دو زندانی سیاسی به چه ترتیب بوده است؟ آیا از ابتدای بازداشت، دسترسی به وکیل تعیینی داشته‌اند؟**

یونسی: پنج- شش ماه اول بازداشت به هیچ وجه دسترسی به وکیل برای آن‌ها وجود نداشت و هر دو فشار زیادی را تحمل کردند. دو ماه اول را کاملاً در انفرادی و سلول‌های تک نفره و بدون هیچ ارتباطی به سر برده‌اند به گونه‌ای که ساعات شبانه‌روز را تشخیص نمی‌داده‌اند. این مدت تحت بازجویی، فشار و تهدیدهای مختلف گذشت که بخشی از این تهدیدها و عملکرد نیروهای امنیتی برای اعمال فشار بر این دو زندانی سیاسی در ماه‌های گذشته رسانه‌ای شده است.

پس از گذشت حدود شش ماه، آقای مصطفی نیلی، وکیل دادگستری که در حال حاضر خود او هم زندانی است، موفق شد

حدود یک سال و هفت ماه از بازداشت علی یونسی، دانشجوی مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف و امیرحسین مرادی، دانشجوی فیزیک این دانشگاه می‌گذرد. علی‌رغم گذشت این مدت و اتمام دوران بازجویی، این دو دانشجوی نخبه، بدون تشکیل دادگاه و محروم از بسیاری از حقوق اساسی خود به‌عنوان زندانی سیاسی، به‌صورت بلاتکلیف در بند امنیتی ۲۰۹ زندان اوین، تحت نظر وزارت اطلاعات به‌سر برده و به بند عمومی منتقل نشده‌اند.

کارشکنی در تشکیل دادگاه و ممانعت از عدم انتقال آنها به بند عمومی موجب شده تا یونسی و مرادی حتی از برخورداری از امکانات حداقلی‌ای که در اختیار زندانیان عادی است هم محروم شوند. در ماه‌های پس از بازداشت این دو دانشجوی نخبه و المپیادی، گزارش‌هایی مبنی بر اعمال فشار بر آنها جهت اخذ اعترافات اجباری منتشر شده است.

آنها در دوران پس از بازداشت به‌طور مشخص از «حق دسترسی به وکیل»، «حق ارتباط با دنیای بیرون از زندان و دسترسی به تلفن»، «حق دسترسی به خدمات درمانی مناسب» و برخی دیگر از حقوق خود محروم مانده‌اند.



به پرونده برادرم ورود کرده و رسماً وکالت علی یونسی را به عهده بگیرد. به همین ترتیب هم آقای حبیب‌نژاد توانست عهده‌دار وکالت امیرحسین مرادی شود. آقای نیلی به جز خودش، آقای حسین تاج را هم به عنوان وکیل علی معرفی کرد و در حال حاضر که آقای نیلی در بازداشت به سر می‌برد، آقای تاج پیگیر پرونده برادرم است. خود آقای نیلی هم با وجود محدودیت‌هایی که در بازداشت دارد، چند بار برای پیگیری وضعیت علی، با خانواده و آقای تاج تماس تلفنی داشته‌اند. در یک سال و نیم گذشته، از نظر دسترسی به وکیل این وضعیت در جریان بوده است.

**حقوق ما: آیا وکلای علی یونسی و امیرحسین مرادی دسترسی مدام و کامل به پرونده و موکلان خود دارند؟ آیا وکلای پرونده هر زمان که لازم باشد، می‌توانند با آن‌ها ملاقات داشته باشند؟**

یونسی: دیدار وکلا با علی و امیرحسین محدودیت‌های بسیاری دارد و نه تنها به نظر قاضی بلکه به ضابط پرونده یعنی وزارت اطلاعات هم بستگی دارد. آقای نیلی قبل از بازداشت با وجود پیگیری فراوان برای دیدار حضوری و صحبت راجع به پرونده، تنها دوبار توانست با علی ملاقات داشته باشد. این دو بار ملاقات هم چند هفته پیش از جلسه اول دادگاه صورت گرفت و در یک سال اول هیچ ملاقاتی انجام نشد.

این نکته را باید اضافه کنم که جلسه اول دادگاه برادرم و امیرحسین مرادی حدود سه ماه پیش و اوایل تابستان برگزار شد و بعد از آن، وعده برگزاری جلسه دوم را دادند که هنوز این اتفاق نیافتاده و هر دو زندانی همچنان بلاتکلیف هستند.

**حقوق ما: بعد از رفع محدودیت‌های شدید در چند ماه اول، ارتباط علی و امیرحسین با بیرون از زندان و حق برخورداری از ملاقات با خانواده و دسترسی به تلفن به چه ترتیب بود؟ همان‌طور که در ابتدا گفتم، در پنج- شش ماه اول هیچ ارتباطی وجود نداشت. بعد از گذشت این مدت، دسترسی به تلفن به آن‌ها داده شد. در چند ماه اول بعد از رفع محدودیت‌ها،**

**حقوق ما: حضور بلاتکلیف امیرحسین و علی در بند امنیتی ۲۰۹، آن‌ها را از چه حقوق دیگری محروم کرده است؟**

یونسی: بزرگترین فشار و محدودیتی که وجود دارد این است که آن‌ها را در سلول‌های دربسته نگه داشته‌اند و این تفاوت بزرگ بین بند ۲۰۹ با بندهای دیگر است. همیشه تعداد نامشخصی از متهمان در سلول علی در بازداشت موقت به سر می‌برند. از طرف دیگر نگهبانان سلول بر همه کارها نظارت دارند. به عنوان مثال، نگهبانان بند ۲۰۹ برای تلفن زدن، هواخوری و ملاقات و هر کار دیگری در کنار علی و امیرحسین حضور دارند.

به عنوان مثال، در بندهای دیگر و به‌ویژه بندهای هفت و هشت زندان اوین که بیشتر آن‌ها زندانیان سیاسی هستند، زندانیان به هواخوری دسترسی بیشتری دارند. در این بندها به تلفن با وجود محدودیت‌های زمانی، تقریباً همیشه دسترسی وجود دارد و زندانیان می‌توانند بین بندها برای دیدن همدیگر رفت و آمد داشته باشند اما بند ۲۰۹ سلول دربسته است. در حقیقت

سلول‌های انفرادی را به یک اتاق در بسته تبدیل کرده‌اند که چند نفر در آن حضور دارند. این مسأله از نظر روحی و روانی فشار زیادی را برای افراد ایجاد می‌کند. در کنار این مورد، تلفن و ملاقات است که هر دفعه باید نگهبان آن‌ها را به بیرون ببرد و بعد از تلفن، آن‌ها را به اتاق برمی‌گرداند. سه روز در هفته و هر دفعه ۲۰ دقیقه تا نیم ساعت هواخوری دارند. نگهبان آن‌ها را به هواخوری می‌برد و برمی‌گرداند. این کل زمانی است که آن‌ها می‌توانند در یک محیط باز باشند. تمام ساعت‌ها و روزهای دیگر سال را در یک اتاق دربسته می‌گذرانند.

پدر و مادر امیرحسین مرادی تحت فشار زیادی قرار دارند. پدر امیرحسین به دلیل فشارهای وارد شده بر فرزندش سکنه کرده و به همین دلیل صورت او دچار مشکل شده است. مادر امیرحسین هم از نظر روحی اصلاً در شرایط خوب و مناسبی نیست. در طی مدتی که این دو دانشجو در بازداشت به سر می‌برند، در چند نوبت، پدر، مادر و خواهر امیرحسین را به اداره اطلاعات احضار شده و تهدیدشان کرده‌اند.

زندانی دیگر، اهل کشور افغانستان، که او هم مبتلا به کرونا بود، به اتاق جداگانه‌ای منتقل کرده‌اند... پس از گذشت هفت ال ۱۰ روز و از بین رفتن علائم آشکار بیماری مانند تب و سرفه، دوباره او را به اتاق قبلی بازگردانده‌اند.

همچنین علی در یک مورد دیگر که گوش درد داشته، تقاضای درمان داده بود اما مسئولان زندان هیچ اقدامی نکرده و فقط از بهداری اوین تعدادی قرص به او داده‌اند.

در مورد دیگر، یکی از هم‌اتاقی‌های علی که قبلاً با او در بازداشت به سر می‌برد، جزئیاتی را در مورد علی گفته بود. به گفته این شاهد عینی، مأموران امنیتی در جریان بازداشت علی یونسی، به شدت او را مورد ضرب و شتم قرار داده بوده‌اند طوری که کنار ابروی او پاره شده و به دلیل عدم دسترسی به خدمات پزشکی، زخم او عفونت کرده بود. طبق شنیده‌ها، مسئولان زندان فقط به علی داروی چرک خشک‌کن داده‌اند و خدمات درمان دیگری در دسترس او قرار نگرفته است.



از این اقدام، تحت فشار قرار دادن متهمان برای اخذ اعتراف اجباری است. همچنین قوه قضاییه با اعمال فشارهای اینچنینی بر فعالان سیاسی و مدنی، قصد دارد با ایجاد رعب و وحشت در جامعه، از بروز اعتراضات مردمی جلوگیری کند. مادامی که قوه قضاییه، استقلال نداشته باشد و در جایگاه حقیقی خود قرار نگیرد، متأسفانه شاهد تداوم این روند خواهیم بود.

**سوال:** به عدم استقلال قوه قضاییه اشاره کردید. به نظر شما نهادهای امنیتی در ایران تا چه میزان در دستگاه قضایی نفوذ دارند و تا چه حد در اعمال فشار بر متهمان از طریق سوء استفاده از سازوکارهای قضایی، نقش دارند؟

مقیم: در پرونده‌های مربوط به زندانیان سیاسی که از طرف قوه قضاییه ایران «امنیتی» نامیده می‌شود، قضات دادگاه، با توجه به نظر بازجوها (که اصطلاحاً به آنها کارشناس گفته می‌شود)، در مورد متهمان سیاسی تصمیم‌گیری می‌کنند. به عبارت دیگر، هر رأی و هر حکمی که از طرف مراجع قضایی برای فعالان سیاسی و مدنی صادر می‌شود، متأسفانه بر نظر بازجوها مبتنی است. نفوذ نهادهای امنیتی در قوه قضاییه در ایران به حدی است که در برخی از موارد، دادنامه از پیش تعیین می‌شود و قضات فقط آنها را امضاء می‌کنند. متأسفانه در بیشتر پرونده‌های مربوط به زندانیان سیاسی، احکام، صد در صد تحت نظر بازجوها و ضابطین امنیتی صادر و اجرا می‌شود.

برای ارتباط با دنیای بیرون از زندان باید داشته باشد. گذشته از موارد یاد شده، متهم حق اعتراض به حکم صادر شده هم دارد. حال اینکه متهمان (به‌ویژه متهمان سیاسی) در ایران، در دوران بازداشت موقت تا چه میزان به حقوقی حقوقی که در بالا گفته شد، دسترسی دارند، بحث جداگانه‌ای می‌طلبد.

**سوال:** چطور قوه قضاییه ایران، مساله بازداشت موقت را تبدیل به یک ابزار برای اعمال فشار مضاعف بر متهمان سیاسی کرده است؟ چرا قوه قضاییه اساساً اینکار را می‌کند؟

مقیم: همانطور که قبلاً گفتم، زندانی سیاسی نباید در ایران وجود داشته باشد و از دیدگاه موازین حقوق بشری از اساس به موضوع وجود زندانی سیاسی انتقاد وارد است. قوه قضاییه ایران اما به جای عمل کردن به وظیفه ذاتی خود یعنی احقاق حقوق مردم، تبدیل به دستگاه سرکوب مردم شده است، قطعاً در چنین شرایطی، مقامات قضایی از هر ابزاری برای اعمال فشار مضاعف بر زندانیان سیاسی استفاده می‌کنند.

به‌عنوان مثال، در مدت بازداشت موقت، متهم لزوماً نباید در سلول انفرادی نگاه‌داری شود چرا که به‌کارگیری سلول انفرادی برای متهمان، یکی از مصادیق بارز شکنجه محسوب می‌شود اما در بیشتر موارد، متهمان سیاسی به سلول انفرادی فرستاده می‌شوند. از طرف دیگر، در مواردی شاهدیم زندانی را هفته‌ها و ماه‌ها، به صورت بلاتکلیف در بازداشت موقت نگاه‌داری می‌کنند، قطع به یقین، هدف

## بازداشت موقت به مثابه ابزاری برای

### سرکوب مضاعف

**سوال:** بازداشت موقت در چه مواردی کاربرد دارد و سوء استفاده مراجع قضایی از این مساله برای اعمال فشار مضاعف بر زندانیان سیاسی در ایران، ممکن است چه حقوقی از متهم سلب کند؟

مقیم: در ابتدا باید تأکید کنم که به هیچ‌وجه در ایران نباید زندانی سیاسی داشته باشیم. در جهان امروز باید دموکراسی و حاکمیت مردم در همه کشورها برقرار باشد که اگر چنین باشد، شهروندان حق اعتراض و حق برپایی تجمع دارند و در حقیقت می‌توانند صاحبان قدرت را نقد کنند.

البته در ایران «قانون جرم سیاسی» هم وجود دارد که در عمل رعایت نمی‌شود. هرچند همین قانون هم که بعد از حدود چهل سال پس از شکل‌گیری حکومت جمهوری اسلامی در ایران تصویب شد، در وضعیت فعلی دیگر کارایی لازم را ندارد. این قانون به زمانی مربوط می‌شود که یک نگاه سنتی به مساله جرم سیاسی در ایران وجود داشت.

در خصوص بازداشت موقت اما می‌توان گفت قانون‌گذار، بازداشت موقت را در برخی از موارد مانند اتهام قتل یا برخی از جرایم دیگر، به‌عنوان الزام قانونی تشخیص داده است. همچنین بازداشت موقت در بعضی از مواقع با تشخیص مقام قضایی صادر و اجرا می‌شود. طبق موازین بین‌المللی و حتی براساس قوانین جاری در ایران، در طی مدت بازداشت موقت، متهم باید از حق دسترسی به وکیل و حقوق دیگر خود از جمله حق دسترسی به خدمات درمانی برخوردار باشد. همچنین در طی این مدت متهم باید حق دسترسی به مترجم (در صورتی که زبان متفاوتی داشته باشد) و حق دسترسی به تلفن

طبق مفاد مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری، مقام قضایی برای صدور قرار بازداشت موقت، دارای محدودیت‌هایی است و به هر دلیلی نمی‌تواند این قرار را صادر کند. قرار بازداشت موقت شدیدترین نوع قرار است که برای دسترسی فوری به متهم، او را در بازداشت نگه می‌دارند تا مانع تردد او شوند.

براساس ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، صدور قرار بازداشت موقت تنها در مورد جرایمی نظیر قتل عمد و قطع عضو صادر می‌شود. همچنین قاضی می‌تواند در مورد جرایم دیگری مانند سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول به شرطی که متهم دارای دست‌کم یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرایم یاد شده باشد، قرار بازداشت موقت صادر کند.

از سوی دیگر به‌موجب ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری، قرار بازداشت موقت، دوام این قرار و تشدید قرار تامین، به تقاضای متهم قابل اعتراض است.

در مورد زندانیان سیاسی اما شرایط کمی متفاوت است. در یکی از بندهای ذیل ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آنها درجه پنج و بالاتر است هم مشمول صدور قرار بازداشت موقت می‌گردند. از این‌روست که نهادهای امنیتی با همدستی مراجع قضایی و با انتساب اتهامات یاد شده به فعالان سیاسی و مدنی، می‌توانند شهروندان را مدت‌ها در بازداشت موقت نگه‌دارند.

مجله حقوق ما برای بررسی بیشتر این موضوع، با محمد مقیمی، وکیل دادگستری و حقوق‌دان گفتگو کرده است.

## بازداشت موقت؛ امکانی برای سلب حقوق اساسی زندانیان

در قوانین کیفری ایران، بازداشت موقت، شدیدترین قرار تأمین کیفری است که به منظور تضمین دسترسی به متهم در مواقع لزوم، و سلب آزادی او به طور موقت، صادر می‌شود. قانونگذاران برای صدور قرار بازداشت موقت، شرایطی را تصویب کرده‌اند که قضات مکلف به رعایت آن شده‌اند. همچنین طبق قوانین داخلی ایران، تخلف قضات از ضوابط مصوب، موجب تعقیب انتظامی آنها خواهد بود و متهمان می‌توانند مراتب شکایت خود را به دادسرای انتظامی قضات تقدیم کنند.

با وجود همه این شرایط قانونی، قضات دادگاه‌ها در ایران از مکانیسم «بازداشت موقت» به عنوان ابزاری برای اعمال فشار مضاعف بر زندانیان به ویژه متهمان سیاسی استفاده می‌کنند. به دلیل غیر پاسخگو بودن مقامات قضایی در ایران، این روند از ابتدای شکل‌گیری حکومت جمهوری اسلامی تاکنون ادامه دارد.

بازداشت موقت به نحوی که در نظام قضایی ایران به کار گرفته می‌شود، ممکن است کدام یک از حقوق زندانیان را نقض کند؟ قوه قضاییه چگونه از این ابزار قانونی برای سرکوب بیشتر متهمان سیاسی استفاده می‌کند؟

حقوق ما برای بررسی بیشتر «بازداشت موقت» با معین خزائلی، حقوق دان و روزنامه نگار گفت‌وگو کرده است.

**سوال: نگاه‌داری طولانی‌مدت در بازداشت موقت چه حقوقی را از زندانی و خانواده او نقض می‌کند؟**

خزائلی: پیش از پرداختن به این مبحث، نیاز است که تشریح کنیم بازداشت موقت چه نوع قرار است و چرا توسط مقام قضایی صادر می‌شود؟

ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری در بند آخر خود یعنی بند «د»، بازداشت موقت را یکی از قرارهایی می‌داند که بازپرس یا مقام قضایی به عنوان قرار تأمین، اجازه دارد که صادر کند. در حقیقت بازداشت موقت آخرین قرار است که بازپرس قانوناً اجازه دارد که از آن استفاده کند.

در ماده ۲۳۷ قانون یاد شده، به روشنی مشخص شده که صدور قرار بازداشت موقت از سوی مقام قضایی جایز نیست مگر در مواردی که در ماده ۲۳۷ اعلام شده است.

در مراجع قضایی ایران، درمورد زندانیان سیاسی، عموماً به بند «پ» از ماده ۲۳۷ برای صدور مجوز بازداشت موقت استناد می‌شود. در این بند به صراحت آمده است که جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آنها درجه پنج و بالاتر است، مشمول بازداشت موقت می‌شود. نکته مهم در این خصوص این است که الزاماً استفاده از آن به این معنی نیست که این افراد در دادگاه به همین اتهام محکوم شوند. این امکان وجود دارد که متهمان حتی تبرئه شوند. نکته مهم اینجاست که

برای عنوان اتهامی جهت صدور بازداشت موقت، باید اتهامات علیه امنیت داخلی و خارجی کشور مطرح باشد که مجازات قانونی‌شان در قانون مجازات اسلامی درجه پنج است، یعنی مجازاتی بین بیش از دو تا پنج سال حبس را شامل شود.

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی در بیشتر موارد از همین بند قانونی جهت صدور بازداشت موقت برای فعالان سیاسی، استفاده می‌کند.

در ماده ۲۳۸ از قانون آیین دادرسی کیفری هم صدور قرار بازداشت موقت را منوط به یک سری شرایط خاص در سه بند شده است. در بند الف، ب و پ از این ماده قانونی، اعلام شده تنها با وجود یکی از شرایط، مثلاً اگر آزادی متهم موجب از بین رفتن آثار جرم یا باعث تبانی یا تهدید شهود شود یا اینکه این خطر وجود داشته باشد که متهم فرار کند، مخفی شود یا اینکه آزاد بودنش باعث ایجاد خطری برای خود و شاکی شود یا باعث مختل شدن نظم عمومی شود، قرار بازداشت موقت می‌تواند صادر شود.

در اکثر مواردی که بازداشت موقت از سوی مقام قضایی برای فعالان سیاسی صادر می‌شود، چنین شرایطی وجود ندارد اما در عین حال، حکم بازداشت موقت با استناد به بند پ از ماده ۲۳۷ قانون یاد شده صادر می‌شود و فعالان سیاسی و مدنی بازداشت می‌شوند.

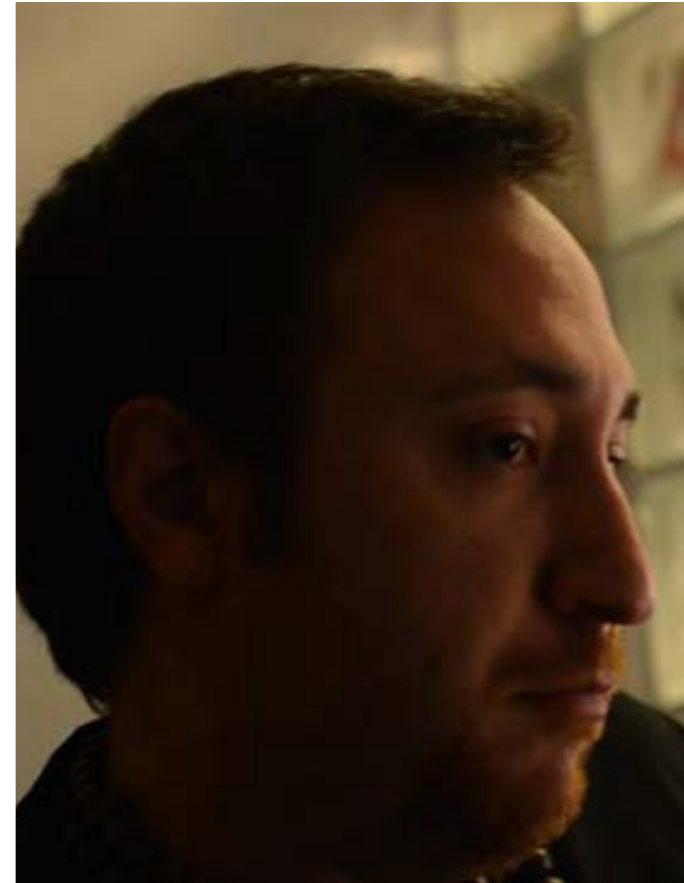
از سوی دیگر، بر اساس ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری، بازداشت موقت نباید بیشتر از ۱۰ روز به طول انجامد. اساساً این مدت زمان قانونی به هیچ‌وجه در ایران رعایت نمی‌شود. همچنین قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۲۴۲ با توجه به موضوعات بندهایی که در ماده ۲۳۷ از جمله بند پ که در آن برای بازداشت فعالان سیاسی معمولاً به جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور استناد می‌شود، بازپرس می‌تواند تا دو ماه قرار تأمین بازداشت موقت را نگه داشته و تمدید کند. بعد از این مدت هم قانونگذار این اجازه را داده که مدت بازداشت به درخواست بازپرس تمدید شود. معمولاً صدور و تمدید قرار بازداشت موقت برای فعالان سیاسی، به درخواست نهادهای امنیتی از جمله وزارت اطلاعات یا اطلاعات سپاه انجام می‌شود و مقام قضایی یعنی بازپرس و دادستان با توجه به اینکه عملاً وابسته به نهادهای امنیتی هستند، این درخواست را اجابت

کرده و با آن موافقت می‌کنند. با همه این اوصاف، طبق قانون آیین دادرسی کیفری، قاضی می‌تواند این قرار را چندین بار تمدید کند اما این مدت نباید از یک سال تجاوز کند یا دست‌کم نباید بیشتر از حداقل مجازات حبسی که برای آن اتهام در قانون پیش‌بینی شده، بشود.

در اینجا باید به دو نکته مهم توجه کرد. عموماً نهادهای امنیتی با همکاری مقامات قضایی یعنی دادستان و بازپرس، برای بازداشت فعالان سیاسی، سنگین‌ترین اتهام را متوجه آن‌ها می‌کنند که از این طریق بتوانند مدت زمان بیشتری آنها را در بازداشت موقت نگه دارند. اگرچه در دادگاه انقلاب در موارد بسیاری افراد به همان اتهامات دوباره محکوم می‌شوند اما در صورتی که در دادگاه صالح و عادلانه به آن رسیدگی شود، هیچ محلی از اعراب ندارد و اساساً آن اتهامات درست نیستند. نهادهای امنیتی برای اینکه بتوانند مدت زمان بازداشت موقت را افزایش دهند از این اتهامات استفاده کرده و در حقیقت از این قانون سوءاستفاده می‌کنند.

حال بپردازیم به سوال اصلی که بازداشت موقت، چه حقوقی از متهم و خانواده‌اش سلب می‌کند؟ بر اساس تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، در جرایم امنیت داخلی یا خارجی در مرحله تحقیقات مقدماتی، متهمان اجازه ندارند که موکل انتخابی خود را داشته باشند و تنها مجازند از وکلایی که مورد تأیید قوه قضاییه‌اند، استفاده کنند. این مرحله مقدماتی همان مرحله‌ای است که بازداشت موقت متهم در آن صورت می‌گیرد. این مسأله یک سوءاستفاده کامل است به این معنا که نهاد امنیتی با همکاری دستگاه قضایی تا جایی زمان بازداشت موقت را تمدید می‌کند و افزایش می‌دهد که باعث می‌شود متهم در این مدت هیچ دسترسی‌ای به وکیل خود نداشته باشد. بعضاً وکلای مورد تأیید دادگستری هم نمی‌توانند هیچ ارتباطی با متهم داشته باشند و در برخی موارد نمی‌توانند حتی با متهم دیدار کنند و اجازه دسترسی به پرونده به آن‌ها داده نمی‌شود. این برای متهمانی که بازداشت موقت طولانی‌مدت می‌گیرند، بزرگ‌ترین حقی است که نقض می‌شود.

فلسفه این قرار بازداشت‌ها این است که نهاد امنیتی با هدف اینکه متهم را وادار به اعتراف و همکاری کند، دسترسی او را به وکیل را محدود می‌کند. مهم‌تر از آن، در بسیاری موارد، مأموران



امنیتی و بازجوها قصد دارند با تمدید قرار بازداشت، زمان کافی برای سندسازی و پرونده‌سازی علیه فعالان سیاسی و متهمانی که به دلایل واهی بازداشت شده‌اند، به دست بیاورند. اگرچه بر اساس ماده ۵۰ از قانون آیین دادرسی کیفری، نهاد قضایی و ضابط موظف است که اجازه ملاقات و دست‌کم دسترسی به تلفن به متهمی که در بازداشت موقت به سر می‌برد، بدهد اما مقام قضایی می‌تواند در صورت تشخیص از این امر خودداری کند یا دست کم فقط یک بار این اجازه را بدهد. در مورد بازداشت‌های طولانی مدت، نهادهای امنیتی با همکاری مقامات قضایی از این قانون سواستفاده می‌کنند و اجازه دسترسی متهم به تلفن برای تماس با خانواده یا ملاقات با آن‌ها را نمی‌دهند. تمام این‌ها به دلیل ایجاد فشار مضاعف بر متهم و خانواده اوست تا از این طریق با آن‌ها همکاری داشته باشند.

### سوال: قوه قضائیه جمهوری اسلامی چطور از این ابزار قانونی برای اعمال فشار مضاعف بر متهمان سیاسی استفاده می‌کند؟

خزائلی: قاضی با افزایش مدت زمان بازداشت موقت، این زمان را به مرحله تحقیقات مقدماتی تعمیم می‌دهد و با استفاده از تبصره ماده ۴۸ از دسترسی به وکیل و با استفاده از ماده ۵۰ از ملاقات و دسترسی به خانواده جلوگیری به عمل می‌آورد و از این طریق برای راضی کردن متهم به همکاری، بر او اعمال فشار می‌کند. همچنین برای دست یافتن به زمان کافی جهت پرونده‌سازی و سندسازی علیه متهم و آمادگی دادگاه و مقام قضایی برای صدور حکمی که باب میل نهاد امنیتی است، مدت‌زمان بازداشت موقت را طولانی می‌کند.

## قرار بازداشت موقت؛ بستر ساز ۴۳ سال

### سرکوب مضاعف

به‌کارگیری مکانیسم قانونی «بازداشت موقت» به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار مضاعف بر زندانیان سیاسی از آغاز شکل‌گیری حکومت جمهوری اسلامی ایران تاکنون، در دستور کار نهادهای امنیتی و مراجع قضایی بوده است.

سوال: شما در دهه ۶۰ در جریان وضعیت زندانیان سیاسی بوده‌اید. آیا در آن سال‌ها هم قضات از مکانیسم بازداشت موقت برای اعمال فشار بر متهمان سیاسی استفاده می‌کردند؟ گستردگی این موضوع تا چه حدی بود و چه تفاوت‌هایی با سال‌های اخیر دارد؟

نایب هاشم: همان‌طور که می‌دانیم در دهه ۶۰ میزان اعمال شکنجه‌های جسمی و روانی بر زندانیان سیاسی بسیار زیاد بوده به نحوی که نگهداری از زندانیان در سلول انفرادی حتی بیش از یک سال، پدیده نادری محسوب نمی‌شد. در آن دوران نه تنها تعداد زیادی از زندانیان سیاسی به صورت بلا تکلیف در انتظار صدور رأی دادگاه بودند بلکه در مورد بسیاری دیگر از این زندانیان، احکام صادر شده، سیال بود. بدین ترتیب که در عین حال که یک حکم مجازات برای یک زندانی سیاسی در نظر گرفته شده بود اما مدتی بعد از صدور حکم، ممکن بود پرونده جدیدی برای همان فرد گشوده شده و او به مجازات سنگین‌تری هم محکوم شود.

در دهه‌های ۶۰ و به‌ویژه در تابستان ۱۳۶۷ اتفاق افتاد. نوشته‌ها و فعالیت‌های بازماندگان آن دوره نشان می‌دهد در طول دهه ۶۰ و به‌ویژه در تابستان سال ۶۷ ده‌ها هزار زندانی سیاسی وابسته به سازمان مجاهدین خلق، سازمان فدائیان خلق، حزب توده، سازمان پیکار و چند گروه و سازمان سیاسی دیگر، بدون محاکمه به جوخه‌های اعدام سپرده شده و در گورهای بی‌نشان دفن شدند.

بسیاری از این زندانیان سیاسی در حالی اعدام شدند که ماه‌ها به صورت بلا تکلیف در انتظار برگزاری یک دادگاه عادلانه بودند. این زندانیان اما در یک روند به شدت ناعادلانه و بدون دسترسی به وکیل تعیینی، در دادگاه‌های چند دقیقه‌ای به اعدام محکوم شدند. حسن نایب هاشم، مدافع حقوق بشر و پزشک ایرانی ساکن وین که خود در رویدادهای سیاسی-اجتماعی سال‌های دهه ۱۳۶۰ حضور داشته، درباره به‌کارگیری سازوکار «بازداشت



مواردی در کشور ما وجود دارد اما خوشبختانه در طی سال‌های اخیر مواردی از این دست بسیار کمتر شده است. دلیل این امر هم این است که در سال‌های دهه ۱۳۶۰، اغلب زندانیان سیاسی شرایط مقابله با فشارها در زندان را نداشتند اما در سال‌های اخیر زندانیان سیاسی با روش‌های مختلف توانسته‌اند با سرکوب‌ها و فشارهایی که علیه آنها اعمال می‌شود مقابله کنند.

شاخص‌ترین نمونه از اعمال فشار بر زندانیان سیاسی در دهه ۱۳۶۰ و عدم امکان مقابله زندانیان با این فشارها، برگزاری دادگاه‌های چند دقیقه‌ای برای آنها و سلب حق دفاع از آنها بود که این روند در نهایت به اعدام‌های گروهی در سال ۱۳۶۷ منجر شد.

بنابراین می‌توان گفت در آن سال‌ها به‌کارگیری انواع روش‌های شکنجه از جمله نگه‌داری از زندانیان در شرایط بازداشت موقت بسیار بیش از امروز رواج داشته است.

**سوال:** به نظر شما چه عاملی منجر به کاهش به‌کارگیری سازوکار «بازداشت موقت» به‌مثابه ابزار سرکوب مضاعف توسط قوه قضاییه در سال‌های اخیر نسبت به اوایل شکل‌گیری حکومت جمهوری اسلامی شده است؟

می‌توان گفت این روندی است که چند مرحله داشته است. یک مرحله در زمان رفسنجانی و در سال‌های پس از پایان جنگ هشت ساله ایران با عراق روی داد. بدین ترتیب که سران حکومت جمهوری اسلامی در آن سال‌ها سعی کردند با کشتار عظیم زندانیان سیاسی، زندان‌ها را خالی کنند و بعد از آن حتی اجازه دادند گزارشگران ویژه سازمان ملل از برخی از قسمت‌های زندان‌های ایران بازدید کنند. سیاست آن زمان این‌گونه بود که تلاش داشتند درهای کشور را به روی دنیا بکشایند و خود را حکومتی متعارف نشان دهند. از طرف دیگر در دوره رفسنجانی جو اختناق سیاسی بر کل کشور چنان فراگیر بود که امکان شکل‌گیری مبارزات وسیع هم وجود نداشت.



بی تأثیر نبوده است.

همچنین در بین جامعه مدنی ایران، حقوق‌دان‌های شریفی حضور دارند که علی‌رغم تحمل فشارهای امنیتی، توانسته‌اند پیگیر پرونده زندانیان سیاسی باشند. با وجود همه موارد بالا و با در نظر گرفتن اینکه شرایط نسبت به دهه‌های گذشته اندکی بهتر شده اما متأسفانه هنوز هم شاهد نقض مکرر حقوق زندانیان سیاسی و عقیدتی در زندان‌ها هستیم.

**سوال:** با توجه به همدستی پنهان و آشکار قوه قضاییه با نهادهای امنیتی در ایران، به نظر شما صدور بازداشت موقت

علیه فعالان سیاسی ممکن است چه حقوقی از آنها سلب کند؟ همانطور که از عبارت «بازداشت موقت» پیداست، این نوع از حکم صادر شده، باید موقت باشد و میزان موقت بودن آن به قوانین داخلی و نوع سیستم قضایی هر کشور بستگی دارد. برای نمونه اگر کشوری با سیستم قضایی ضعیفی داشته باشیم، روند دادرسی عادلانه در آن صورت نمی‌گیرد. در حال حاضر در کشورهایی نظیر هند و پاکستان، بیش از ۶۰ درصد متهمان در بازداشت موقت به سر می‌برند. در مورد ایران اما آمار دقیقی از تعداد متهمانی که در بازداشت موقت به سر می‌برند وجود ندارد اما می‌دانیم قوه قضاییه همواره از این مکانیسم به‌عنوان ابزار فشار مضاعف علیه متهمان سیاسی استفاده می‌کند.

در ایران بازداشت موقت معمولاً با حبس در سلول انفرادی همراه می‌شود که به نوعی قصد دارند متهم را تحت شکنجه روانی و جسمانی قرار دهند. همه این موارد در این راستا انجام می‌شود تا بازجویان بتوانند سناریوی مورد قبول خود را علیه متهمان به اجرا در بیاورند. از آنجایی که قضات تا حد زیادی تحت تسلط نهادهای امنیتی هستند، بنابراین از هر ابزاری برای سرکوب بیشتر مخالفان سیاسی می‌توانند سوء استفاده کنند.

در کشورهایی که حاکمیت قانون برقرار است، در شدیدترین موارد هم گاهی حکم بازداشت موقت صادر نمی‌شود یا در صورت صدور چنین حکمی از سوی قاضی، مدت زمان آن طولانی نیست. معمولاً قضات در کشورهای دیگر مدت زمان بازداشت موقت را بیش از سه ماه تمدید نمی‌کنند. در حکومت جمهوری اسلامی ایران اما متأسفانه وضعیت متفاوتی برقرار است. به‌عنوان مثال علی یونسی و امیرحسین مرادی و بسیاری از شهروندان دیگر مدت‌هاست به‌صورت بلا تکلیف در بازداشت به سر می‌برند. همانطور که می‌دانیم، نگه‌داری از زندانی در وضعیت بلا تکلیف، خود نوعی آزار و شکنجه روانی بر زندانی محسوب می‌گردد.



## ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)